

رمانتیسیم راسین^۱ در آندروماک^۲

تعام کسانی که با ادب و فرهنگ فرانسه آشنائی دارند، بخوبی به ارزش و اهمیت قرن هفدهم در سراسر تاریخ ادبیات این کشور واقفند. بزرگان شعروادب قرن هفدهم فرانسه در واقع درختان تنومند و کهنسال سربلک کشیده‌ای هستند که بر سراسر تاریخ ادبیات این سرزمین سایه افکنده‌اند. از قرن هفدهم بعد، شاعران و سرایندگان چیره‌دست و نمایشنامه‌نویسان ماهر در آسمان ادبیات فرانسه ظاهر شده‌اند و لی آنان همه چون ستارگانی نور و روشنائی از خورشید آسمان قرن هفدهم، یعنی راسین گرفته‌اند. *شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

بنظر کلیه منتقدان ادبیات فرانسه، راسین نه تنها شاعر و نمایشنامه‌نویسی است که از هر جهت مکتب کلاسیسیسم مؤمن و معتقد است، بلکه خود از بانیان و پایه

۱- Jean Racine سال ۱۶۳۹ متولد شد و در سال ۱۶۹۹ از دنیا رفت. تخصص او در

شعر و نمایشنامه‌نویسی است و مهمترین آثارش عبارتند از :

Les Plaideurs
که یک نمایشنامه کمدی است و تراژدیهای دیگری چون

Bajazet ' Bérénice'
Britanicus, Andromaque , Athalie, Esther , Phèdre , Iphigénie ,

Mithridate .

۲- Andromaque

گذاران آن می باشد. ما در این باره بحث نمیکنیم، زیرا مطلب بسیار واضح و روشن است و تمام صاحب نظران و منتقدین آثار و افکار او، مطالعات و تحقیقات خود را بیشتر به بررسی آثار راسین کلاسیک منحصر کرده اند. در واقع ما را با راسین کلاسیک کاری نیست، بلکه در باره راسین رمانتیک صحبت خواهیم کرد و برای اینکار تنها يك اثر او، یعنی نمایشنامه «آندروماک» را انتخاب کرده ایم.

قبل از آغاز مطلب، تعریف مختصری از رومانتیسیم مفید بنظر میرسد. رومانتیسیم اصولاً يك ادبیات تغزلی است که شخصیت هر نویسنده و شاعر آزادانه در آن متجلی می شود. مخصوصاً عواطف و احساسات آئینه تمام نمای شخصیت میباشند در حالیکه افکار آنرا کمتر منعکس میازند. نتیجتاً، رومانتیسیم تنها بنقاشی آن حقیقتی میردازد که آتش هیجانات درونی را تهییج کند؛ بدینعلت با نگهبانان میراث کهن، یعنی نویسندگان و شعرای قرن هفدهم سخت مخالف است، و چون افکار استدلالیان این دور را سدی در مقابل نشوونمای خود می بیند، با آنها به شدت مبارزه میکند.

بطور خلاصه بحران عقل و اراده، اضطراب، عزت، جزن و اندوه،^۳ غرور و توجه به «من» فردی^۴، طغیان و سرکشی^۵، دلستگی بمیهن، ملت و بشریت^۶، رنگ محلی و رنگ تاریخی، عشق اولی و عشق دومی^۷ اینها خصوصیات اصلی رومانتیسیم می باشند. چون رومانتیسیم راسین تنها در نمایشنامه آندروماک مورد توجه است، جریان آن بطور خلاصه در اینجا نقل می شود:

۳- در آثار Musset * Lamartine * Vigny

۴- در آثار Chateaubriand ۵- در آثار Vigny

۶- در آثار Vigny * Hugo * Mme de Staël

۷- در آثار Lamartine * Stendhal * Balzac * Hugo

موضوع نمایشنامه در کاخ پیروس^۸ پسر آشیل^۹ و فاتح تروا^{۱۰} رخ میدهد. پیروس پس از فتح و نابودی تروا، آندروماک بیوه هکتور^{۱۱} را باسارت میگیرد و سخت باو دل میبازد. بخاطر او مراسم ازدواجش را با هرمیون^{۱۲} که مدتی قبل قرارش گذاشته شده بود، مرتباً بتأخیر می اندازد. پادشاهان یونان، از این ماجرا بسیار ناراحت می شوند و اورست^{۱۳} را به سفارت نزد پیروس میفرستند تا تنها بازمانده هکتور یعنی پسر خردسالش آستیاناکس^{۱۴} را که مادرش فراوان باو علاقمند است از پیروس بگیرد و بیونان ببرد. ولی اورست از مدتها قبل عاشق دلباخته هرمیون می باشد و قلباً علاقمند است که پیروس از واگذاری آستیاناکس خودداری کند و با آندوماک ازدواج نماید تا او نیز بوصول هرمیون برسد. پیروس با تهدید آندروماک به واگذاری پسرش به اورست، سعی میکند که او را بر سر لطف آورد تا بازدواج تن در دهد. ولی آندروماک خاطر شوهرش را لحظه ای از یاد نمی برد و در قبول تقاضای پیروس امروز و فردا میکند. بالاخره چون جان فرزندش را جداً در خطر می بیند بر خلاف میل باطنی، بازدواج تن میدهد ولی مصمم است که بلافاصله، پس از اجرای مراسم، در معبد خودکشی کند، تا با ایجاد رابطه پدرفرزندی میان پیروس و آستیاناکس، جان فرزند خود را نجات دهد و در عین

Achille^۹Pyrrhus^۸Troie (Ilion)^{۱۰}

شهری در آسیای صغیر که در گذشته بسیار عظیم و ثروتمند بوده است. این شهر بارها در طول تاریخ صحنه جنگهای خونین بوده است و هومر در کتاب ایلیاد از دلاوریهای مردم آن داستانها نقل کرده است و بدینوسیله خاطر این شهر و ساکنانش را برای همیشه جاودان ساخته است.

Hermione^{۱۲}Hector^{۱۱}Astyanax^{۱۴}Oreste^{۱۳}

حال به عهد و میثاق خود نسبت به هکتور وفادار ماند. هر میون که در آتش حد می سوزد، تنها بشرطی حاضر به ازدواج با اورست می شود که وی پیروس را بقتل رساند تا بدینوسیله انتقام بیوفائی و توهینی را که باو شده است از پیروس گرفته باشد. اورست شرط او را می پذیرد و درحین مراسم ازدواج، در معبد، پیروس را بقتل میرساند. سپس این خبر را به هر میون میدهد ولی فردا خیر الذکر که قلباً هنوز هم پیروس را دوست دارد و باو عشق می ورزد سخت اعتراض میکند و اورست را از خود می راند و بر روی جسد پیروس خود کشتی میکند. اورست که از همه جا رانده و مانده می شود دیوانه می گردد.

با کمی توجه به آثار راسین غالب خصوصیات رومانتیسیم قرن نوزدهم را در آنها مشاهده میکنیم. همانطور که در بالا اشاره رفت، شعرا و نویسندگان رومانتیک الهام از ادبیات روم و یونان قدیم را نوعی در یوزگی می پنداشتند و توجه زیاد بر رنگ تاریخی و رنگ محلی می نمودند. راسین نیز باین مسائل کاملاً آشنائی داشته است. او نیز وقایع گذشته و معاصر خود را مورد بحث و بررسی قرار داده است. بعنوان بهترین نمونه مخصوصاً نمایشنامه «بایزید»^{۱۵} که موضوع آن معاصر وی بوده است و بطور اعم بقیه آثارش را می توان برشمرد. جریان نمایشنامه «بایزید» فقط ۳۰ سال قبل از نگارش آن بوسیله راسین در دربار عثمانی رخ داده است.

۱۵ - Bajazet (بایزید) درباره جربانانی که در حرمسرای سلطان بایزید عثمانی رخ میدهد صحبت میکند. راسین در مقدمه این نمایشنامه مینویسد: «دوری راه نزدیکی زمانرا تا حدی جبران میکند». موضوع بایزید را سفیر فرانسه در دربار عثمانی برای راسین شرح داده است.

سن اورمن^{۱۶} درباره «الکساندر»^{۱۷} نمایشنامه دیگری از راسین چنین قضاوت میکند: «آب و هوا انسانها را همانند حیوانات عوض میکند و آثار ادبی بر روی عقل، همچون آداب و سنن مؤثر است.» رنگ محلی در نمایشنامه آندروماک نیز بهترین وجهی رعایت شده است. راسین وضع کشور یونان و روابط و اختلافات میان دولتهای مختلف را در این سرزمین بزرگ بخوبی تشریح میکند. آندروماک بارها بادایه اش سفیز^{۱۸} از تروا و ماجرای خونین نابودی این شهر عظیم سخن میگوید و هر بار با آه و ناله خاطرات شوهر از دست رفته اش را زنده میکند. راسین از زبان پیروس وضع داخلی و اختلافات موجود در یونان را چنین نقل می کند:

La Grèce en ma faveur est trop inquiétée.

De soins plus importants je l'ai crue agitée

Seigneur;... (v. 173)

و در جای دیگر، هم او جریان جنگ تروا و فتح این شهر و سرنوشت ساکنان آنرا چنین وصف میکند:

Je songe quelle était autrefois cette ville.

Si superbe en remparts, en héros si fertile,

Maitresse de l'Asie; et je regarde enfin

Quel fut le sort de Troie et quel est son destin.

۱۶- St-Evreumont نویسنده فرانسوی که سال ۱۶۱۴ بدتیا آمد. سال ۱۷۰۳ از

جهان رفت. اثر مهم او La Comédie des académistes میباشد. از او همچنین رسالاتی

درباره ادبیات و تاریخ باقی مانده است. بعثت شرکت در طقیان بر علیه مازارن Mazarin

سن اورمن مدتی بلندن تبعید شد.

۱۸- Céphise

۱۷- Alexandre

Je ne vois que des tours que la cendre a couvertes ,

Un fleuve teint de sang, des campagnes désertes, ... (v. 197) .

در اشعار فوق، راسین وضع گذشته تروا را تشریح میکند. او چون نقاشی چیره‌دست، چون «نگارگری» واقعی، صحنه نبرد را در مقابل انسان مجسم می‌سازد. از کینه و بغض یونانیان و ایجاد اختلاف در میان آنان بعلت تأخیر در تسلیم آستیاناکس بدین‌صورت سخن می‌راند :

Tous les Grecs m' ont déjà menacé de leurs armes;

Mais, dussent-ils encore, en repassant les eaux,

Demander votre fils avec mille vaisseaux, ... (v. 282).

یا اینکه آندروماک در موقع راز دل‌گفتن با دایه خود، مجدداً جریان نابودی اهالی تروا و سوختن کاخها و کشته‌شدن برادرانش را چنین شرح می‌دهد. شرح دادن شاید چندان رسا نباشد، دیگر گوش و حس شنوایی در برابر این تابلو گویا، در مقابل این تجدید و تصویر ماهرانه صحنه جنگ نقشی برعهده ندارند، بلکه با چشم خود و نه با گوش خویش، صحنه جنگ، سوختن و درهم ریختن کاخها و انباشته‌شدن اجساد کشته‌شدگان در امی‌پتیموس انات زرخشی

Figure - toi Pyrrhus, les yeux étincelants,

Entrant à la lueur de nos palais brûlants ,

Sur tous mes frères morts se faisant un passage,

Et de sang tout couvert, échauffant le carnage;

Songe aux cris des vainqueurs, songe aux cris des mourants ,

(v. 999).

رنگ تاریخی نیز در آندروماک مقامی شایسته دارد. راسین با عمق بینش یک‌مورخ و با مهارت یک شاعر چیره‌دست اوضاع تاریخی را نقل میکند. از گذشته سخن می‌گوید. گوشه‌های مبهم و تاریک تاریخ گذشته را برای ما روشن میکند، از

هر فرصتی استفاده میکند و اوضاع تاریخی و جریانات آنرا باز میگوید، او، با چه مهارتی جریان سقوط تروا و اسارت آندروماک را که منزل بمنزل، بدنبال لشکریان پیروس روان است نقل میکند! اشعار فوق نمونه بارزی از این دلبستگی و احترام او برنگ تاریخی است.

نویسندگان روماتیک قرن نوزدهم، در نظریه تاریخی خود، بیشتر با آنچه که انسان را از گذشته با حال مشخص میکند تکیه مینمایند. و این همان چیزی است که راسین، بطور کامل و همهجانبه بدان توجه دارد و احترام میگذارد. کمی درنگ به گذشته آندروماک، و گذشته تروا، این سرزمین زرخیز مردخیز ثروتمند، با وضع پس از جنگ، مؤید این مدعاست. راسین بوضع زمان و مکان کاملاً آشناست. او نه تنها با چنین وضعی آشنائی دارد، بلکه آنرا حس میکند؛ درست است که کلمات و اصطلاحات مهجور و دور از ذهن نویسندگان روماتیک قرن نوزدهم را بکار نمیبرد، ولی کوشش او بر آنست که شرایطی شایسته و لازم برای بیان «رنگ ازمنه» ایجاد کند و خلق نماید. هدف راسین از رنگ تاریخی همین است و بهترین وجهی بآن نائل شده است. او حقایق تاریخی را بزینت شعر میآراید؛ و باین ترتیب آنها را پیش دلکش تر و دلپذیر تر میسازد. زبان او، زبان حقیقت است و حقیقت را با شعر بیان میکند. آندروماک با آن چهره معصوم و رنج دیده، با آن لباس بلند و آرایش ساده، جلوه کاملی از زن و «مادر» یونان قدیم است. در حالی که هرنانی^{۱۹} و بکتور هوگو، با آن لباس برجین و پر زرق و برق، چندان منعکس

۱۹- Hernani نام نمایشنامه است که ویکتور هوگو آنرا نوشته است. اولین شب نمایش آن در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۸۳۰ تبدیل بسحنه جنگ واقعی میان طرفداران روماتیسم و کلاسیسیسم شد. سه نفر یعنی Ruy Gomez * don carlos که پیروسالخورده بود و بالاخره Hernani در عشق دنیا سل doña Sol باید دیگر مبارزه میکنند و بالاخره حسادت روی گمز هرنانی و دنیا سل را مجبور به خودکشی میکند.

کنندهٔ چهرهٔ فردی از دورمای خیلی نزدیکتر، یعنی رناسس^{۲۰} نمیباشد. جالب اینجاست که نمایشنامهٔ هرنانی، بعنوان نمایشنامهٔ نمونه‌ای که رنگ تاریخی کاملاً در آن محترم شمرده شده‌است، مورد توجه منتقدین قرار گرفته‌است!

و اما عشق شدید، یکی از خصائص قهرمان رمانتیک قرن نوزدهم است. اگر واقعاً چنین خصیصه‌ای را بقهرمان این قرن منحصر کنیم، سخت در اشتباهیم. تمام نمایشنامه‌های راسین و بویژه آندروماک صحنه‌های نبرد عشق و عقلند. آندروماک میدانده که وفا و عشق او بخاطر هکتور باعث نابودی آستیاناکس و خود او خواهدشد، ولی باوجود این، لحظه‌ای درنگ نمی‌کند و قدمی عقب نمی‌نشیند. پیروس بخوبی واقف است که عشق او به آندروماک و حمایتش از کودک خردسال او، به طغیان طوفان یونانیان خواهد انجامید، طوفانی که نه تنها تاج و تخت او، بلکه طومار زندگی‌اش را نیز درهم خواهد پیچید، ولی در عشق ثابت قدم است. او رست کاملاً مؤمن و معتقد است که اظهار عشق هر میون نسبت باو، ربا و تروری بیش نیست، ولی امیدوار است. هر میون مطمئن است که پیروس دل درگرو عشق اسیر زیبا و «طناز پرهیزگار» خود دارد، معذک تا پای مرگ در راه عشق ثابت قدم و استوار میباشد. «فی الواقع راسین مسیر حقیقی خود را در برخورد عشق‌های سخت و شدید یافته‌است»^{۲۱}.

قهرمانان راسین، محکوم عشق خویشند. آنها میدانند که سرانجام عشق پرتگاهی زرفاست و در آن وزین بار نابودی در انتظار آنهاست؛ ولی میروند و به پیش می‌تازند و نابود می‌شوند. همهٔ آنها دانسته در دام عشق اسیرند و دانسته نابود می‌شوند. عشق قهرمانان راسین، عشقی ظاهری یا بهیمی و دنیوی نمی‌باشد عشق او عشقی روانی است. او مریض عشق است، و چاره‌ای جز آن ندارد. کدام

۲۰. Renaissance

۲۱. Charles Dédéyan. "Racine et sa Phèdre". Paris. Ed. Sèdes. p. 130

قهرمان عاشقِ رماتیک را در میدان مسابقهٔ عشق، یارای برابری باهرمیون است؟ اگر عشقِ راسینی، عشقی رماتیک نباشد، اگر عاشقِ راسینی، عاشقی رماتیک بحساب نیاید، پس بطور قطع و یقین، عشق و عاشقِ رماتیک هم افسانه‌ای بیش نخواهد بود!

بحران عقل و اراده که از مشخصات قهرمانان رماتیک است، تنها گوشه‌ای از مشخصات قهرمانان راسین می‌باشد. آندروماک چنان سرگشته و حیران است و چنان مبهوت و سرگردان، که نمیتواند هیچگونه اراده‌ای کند، که تصمیم می‌گیرد و گاه آنرا می‌شکند. او به‌دایهٔ خود چنین می‌گوید:

Dois - je les oublier, s'il ne s' en souvient plus ?

Dois - je oublier Hector privé de funérailles ,

Et traîné sans honneur autour de nos murailles ? (v.992)

و در جای دیگر:

Quoi! Céphise, j'irai voir expirer eucor

Ce fils, ma seule joie et l' image d' Hector !

و در جای دیگر: آندروماک و سفیر با یکدیگر چنین سخن می‌گویند: در اشعار زیر نهایت حیرانی و بحران عقل و اراده در گفتار آندروماک بچشم می‌خورد:

سفیر به آندروماک می‌گوید:

Que faut - il que je dise ?

آندروماک:

Dis - lui que de mon fils l' amour est assez fort ...

Crois - tu que dans son cœur il ait juré sa mort ?

L' amour peut - il si loin pousser sa barbarie ?

سفیر:

Madame, il va bientôt revenir en furie .

آندروماک :

Hé bien ! va l' assurer ...

سفیر :

De quoi ? de votre foi ?

آندروماک :

Hélas ! pour la promettre est - elle encore à moi ?

Allons .

سفیر :

Où donc, madame ? et que résolvez - vous ?

آندروماک :

Allons sur son tombeau consulter mon époux. (v. 1949).

در اشعار فوق، پس از آنهمه حیرانی و شک و تردید، درست موقعیکه سفیر کمی از طرف آندروماک مطمئن میشود و گمان میرود که او بالاخره راه عقل را برگزیده است، پاسخ آندروماک همه چیز را عوض میکند و سفیر را مبهوت و متحیر می سازد. کلمات :

Et que résolvez vous ?

در حالی از دهان سفیر خارج می شود که او دیگر از بی ارادگی و عدم اتخاذ تصمیم لازم از طرف آندروماک بخان آمده است و کاست صبرش لبریز گشته است . بحران عقل و اراده بیش از آنکه در ترد قهرمانان رمانتیک قرن نوزدهم ادبیات فرانسه ظاهر کند ، در ترد قهرمانان راسین، این شاعر رمانتیک قرن هفدهم متجلی می شود. اورست و هرمیون در کشاکش عشق گرفتارند و همین عشق آنها را تبدیل به جانیان و آدم کشان میکند. پیروس نیز محکوم عشق خویش است و علت و اساس آنرا در « قلمرو خفتگان » یعنی خاطره هکنور می جوید. آنگاه که اورست، بجای پاداش خود که باید وجود مالامال و سرشار از عشق هرمیون باشد، جسد او را در مقابل خود می بیند، مشاعرش را از دست میدهد .

در اینجا دیگر با اورست روبرو نیستیم، بلکه هملت^{۲۲} را در مقابل خود داریم؛ نه هملت شکسپیر، بلکه هملتی از دورانهای خیلی پیش از او، هملتی از روزگاران یونان قدیم! وضع اورست پس از قتل پیروس، نمونه بارزی از بحران عقل و اراده قهرمان رماتیک قرن هفدهم است.

اگر مصرع زیر با صدای بلند خوانده شود، به قدرت مافوق انسانی راسین در استفاده از کلمات برای بیان احساسات، خواهیم برد. تکیه بر حرف «S» چه خوب صدای سوت مارها و افعی‌ها را در گوش ما طنین انداز میکند. و اورست نیز، همانند آن مارها و افعی‌ها، که بخود می‌پیچند و بچپ و راست می‌روند و سوت می‌کشند، بخود می‌پیچد، گه بچپ و گاه بر راست می‌رود، ناله می‌کند، فریاد بر می‌آورد، ناله‌های از ته دل، فریادهای جانسوز، جانسوزتر از ناله‌های قهرمانان رماتیک قرن نوزدهم و حیران و سرگردان‌تر از غالب آنان!

Pour qui sont ces serpents qui sifflent sur vos têtes? (v. 1638).

در نمایشنامه آندرومالک، سرفوشت اورست کاملاً سرفوشت قهرمانان نفرین شده رماتیک را مجسم می‌سازد. او چون اخلاف خود، شخصیتی ناستوار، مضطرب و نامتوازن دارد. او چون شاعر ترون^{۲۳} در آرزوی خودکشی و پایان زندگی سرگردان خود می‌باشد.

۲۲- هملت. Hamlet, Prince of Denmark اثر ویلیام شکسپیر. مقدمه و حواشی از

K. Deighton چاپ لندن ۱۹۵۶.

۲۳- Chatterton (Thomas) شاعر انگلیسی اشعاری بنقلید از قرون وسطی می‌سرود.

وی در اثر فقر و تنگدستی خود را مسموم کرد. وینی Vigny با الهام از وضع نابسامان زندگی و بدبختی‌های او نمایشنامه‌ای به همین نام نوشت. علاوه بر این نمایشنامه، وینی، یک قسمت از بخش‌های سه‌گانه کتاب دیگر خود بنام Stello را بشرح بدبختی‌های این شاعر انگلیسی احساس داده است.

در جهان، کمتر نمایشنامه‌ای و شاید هیچ نمایشنامه‌ای چون آندروماک، سرشار از سرگشتگی و سرگردانی قهرمانان نباشد. آنها چون گردونه‌های سرگردان بدنبال هم حیران و روانند. آندروماک هکتور را می‌پرستد و لسی ناچار خود را با خاطره او دلخوش می‌دارد، زیرا او دیگر در قید حیات نیست، پیروس برای جلب عشق آندروماک می‌کوشد، اما از جانب وی کنشی ظاهر نمی‌شود. هرمیون به پیروس عشق می‌ورزد لیکن خواهش او بی‌جواب میماند. اورست، سخت فریفته و دل‌باخته هرمیون است، لکن هرمیون دل در گرو عشق پیروس دارد. خلاصه کلام، تمام قهرمانان، دایره‌وار در پس یکدیگر روان و سرگردانند؛ ولی آنجا که شبح هکتور بر روی سر همه، در نهایت وقار و متانت سایه افکنده است، این دایره از هم گسیخته می‌شود. آستیاناکس، این کودک معصوم و خردسال، که در واقع گره سردرگم نمایشنامه را تشکیل می‌دهد، در صحنه ظاهر نمی‌شود، ولی او نیز نقشی به اهمیت قهرمانان اصلی برعهده دارد. حقیقت اینست که در نمایشنامه آندروماک قهرمانان درجه دوم وجود ندارند و کلیه شخصیتها، حتی کلئون^{۲۴} دایه هرمیون، سفیز دایه آندروماک و پیلاد^{۲۵}، این رفیق شفیق و حقیقت‌بین اورست، همه و همه از نظر اهمیت نقشی و وظیفه هم‌تراز بازیگران اصلی هستند.

رتال جامع علوم انسانی

دیگر از خصوصیات ویژه قهرمانان رمانتیک قرن نوزدهم، حزن و اندوه و ناامیدی آنان می‌باشد. راسین، در نمایشنامه آندروماک، عیناً همان کلمات و اصطلاحاتی را برای تعریف و تشریح روان قهرمانان خود بکار میبرد که دو قرن بعد مورد توجه و تقلید نویسندگان رومانستیک قرار خواهند گرفت. کلمه "Mélancolie"^{۲۶} بکرات و دفعات برای بیان سرخوردگی و اندوه فراوان قهرمانان

۲۵ - Pylade

۲۴ - Cléone

۲۶ - مالبیولیا

آثار نویسندگان رومانتيك بكار رفته است. تا آنجا كه اصطلاح "Personnages mélancoliques"^{۲۷} بعنوان معرف روحیات آن قهرمانان، در غالب آثار ادبی قرن نوزدهم دیده می شود؛ قهرمانان راسین نیز دارای چنین روحیه و شخصیتی هستند. پیلاد رفیق اورست، غم و اندوه همیشگی دوست خود را چنین وصف میکند:

Surtout je redoutais cette mélancolie

Où j'ai vu si longtemps votre âme ensevelie : (v. 17)

قهرمانان آندروماک بازیچه دست تقدیر و سرنوشت خویشند. زورق شکسته و طوفان زده عمر آنان بر روی اقیانوس سرنوشت به رسو پرتاب می شود و شرایط آنها کاملاً شبیه شرایط آن دریانورد موقر و سرگردان «وینی» بر روی اقیانوس است. در این میان، اورست بیش از دیگران، مانند آن دریانورد، که هر آن خطر غرق شدن، زندگیش را تهدید می کند و بناچار خویشتن را بدست تقدیر می سپارد، کورکورانه و دست بسته تسلیم سرنوشت شوم خود می شود. در اشعار زیر، دریا-نورد جز تسلیم و رضا در کف شیرین خونخواره سرنوشت چاره ای ندارد:

Il se résigne, il prie, il se recueille, il pense

A celui qui soutient les pôles et balance

L' équateur hérissé des longs méridiens (28) (IX. v. 5,6,7).

اورست هم کاملاً تسلیم سرنوشت خویش است و از آن کورکورانه تبعیت می کند. دست تقدیر حلقه ای بر گردنش افکنده است و بهر جا که مایل است، وی را کشان کشان می برد:

۲۷- شخصیت های مالبخولبانی

۲۸- Vigny : Poésies "La Bouteille à la mer" (conseil à un jeune homme inconnu). Editions de Cluny. page 176 .

Puisqu' après tant d'efforts ma résistance est vaine ,
Je me livre en aveugle au destin qui m'entraîne. (v. 98).

اورست و ناخدای جوان ، هردوسرگشته و متحیرند و هردو پس از سعی فراوان بدهیودگی کوشش ، برای تغییر سرنوشت خود ایمان میآوردند . تا اینکه پنجه توانای تقدیر ، طومارزندگی هردورا درهم می پیچد. قهرمانان راسین عشاق پاک باخته ای هستند که تا آخرین دم، لحظه ای در عشق خود، و یا بهتر بگوئیم، در نابودی خود، درنگ نمی کنند. تمام آنها، با گامهایی استوار بسوی نیستی پیش می روند .

آنها هرگز در مقابل این سؤال که:

" To be or not to be , that's the question " قرار نمی گیرند. زیرا در راهی که قدم گذاشته اند تنها چیزی که مطرح نیست همانا «بودن» است . ویکتور هوگو، مروج رحم و شفقت است و مدافع بیگناهی و معصومیت . کمی توجه بغالب آثار منشور او، این ادعای کاملاً ثابت میکند. راسین نیز در این راه از قافل سالار مکتب رمانتیک عقب نمی ماند. در اشعار زیر، آندروماک با بیانی غم انگیز، بدبختی و اسارت خود و قرارندیش را برای پیروس شرح میدهد و از او متضرعانه تمنا میکند که به وی پناه دهد و بر بدبختی «مادری» شوی مرده ، رحم و شفقت آورد :

Captive, toujours triste importune à moi - même ,
Pouvez - vous souhaiter qu' Andromaque vous aime ?

Quels charmes ont pour vous des yeux infortunés

Qu'à des pleurs éternels vous avez condamnés ?

K. Deighton - ۲۹ - نمایشنامه هملت، اثر شکسپیر - مقدمه و حواشی از

Non, non, d' un ennemi respecter la misère ,

Sauver des malheureux, rendre un fils à sa mère .

.....
Malgré moi, s'il le faut, lui donner un asile . (v. 301).

و در جای دیگر آندروماک باو چنین می گوید :

A de moindres faveurs des malheureux prétendent,

Seigneur; c' est un exil que mes pleurs vous demandent .

Souffrez que loin des Grecs, et même loin de vous,

J' aille cacher mon fils et pleurer mon époux. (v. 337).

روماتیسیم راسین آنقدر عمیق و دامنه آن بحدی وسیع است که درباره اش می توان کتابی نوشت. آثار او مشحون از همان اصولی است که شعرای روماتیک در اشعار خود مورد توجه قرار داده اند. تعجب اینجاست که راسین، حتی از نظر قیافه ظاهری، آنطور که تعریفش در کتابها آمده است، با یک شاعر روماتیک قرن نوزدهم کاملاً شبیه است! باید توجه داشت که ظرافت خطوط چهره، و چگونگی آرایش ظاهری از خصائص شعرای روماتیک بود و راسین نیز از این جهات با اخلاف خود هماهنگی دارد. و بالاخره، وینکتور هوگو، بمنظور تعریف از لامارتین او را با راسین مقایسه میکند^{۳۰}. و این مقایسه را افتخاری برای او میداند.

بحث درباره روماتیسیم راسین در این مختصر نمی گنجد. این گفتار را با اظهار نظر استاندال یکی از صاحب نظران بنام مکتب روماتیک درباره ارزش نمایشنامه آندروماک پایان میدهیم. استاندال میگوید: «با وجود سروصدائی که درام روماتیک

۳۰. Lamartine. "Poésies". Collection des "Cent Chefs - d' œuvre" .

برام انداخته است، تاکنون اثری که همطراز نمایشنامه «سید»^{۳۱} یا آندروماک باشد
 بوجود نیآورده است.^{۳۲} «

خوشه خجسته را با رحمت شفیق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۳۱- "Pierre Corneille" "Le Cid" نمایشنامه نویسی مشهور و معاصر راسین .

۳۲- Pierre Martino "L' Epoque Romantique en France" Ed. Hatier.

page 113 .